

Unit 10 book 5

حسابدار

یک حسابدار فردی است که کارش حفظ حساب های مالی است.
حسابدار به من کمک کرد تا پولم را دنبال کنم.

سرمایه دار

سرمایه دار یک فرد در تجارت و صنعت سرمایه گذاری است.
سرمایه گذار پولش را در کارخانه ای سرمایه گذاری کرد که گندم را به غلات تبدیل میکرد

تحقیر

تحقیر احساس عدم احترام به چیزی است.
قاضی جنایتکار شریر را تحقیر کرده بود.

اختصاص دادن

اختصاص دادن خود به چیزی به معنی قرار دادن زمان و تلاش زیادی به آن است.
راهبه خود را برای کمک به افرادی که نیاز دارند اختصاص داده است.

گودال

گودال یک سوراخ باریک است که توسط یک جاده یا یک میدان به زمین بر می گردد.
هنگامی که ماشین از جاده خارج شد، آن به گودال افتاد.

تشکیلات

تشکیلات یک شرکت یا کسب و کار است.
پدرم مالک یک شرکت تبلیغاتی است.

نفیس

هنگامی که چیزی نفیس است، بسیار زیبا یا دلپذیر است.
هنرمند نقاشی های آبرنگ نفیس را ساخته است.

سرمایه گذاری کردن

تأمین مالی کسی یا چیزی به معنی ارائه پول به آنها است.
دولت آزمایشات دانشمند را با سلاح های جدید تامین مالی کرد.

بی تفاوت

هنگامی که کسی به چیزی بی تفاوت است، آنها کمبود علاقه به آن دارند.
لیزا نسبت به مدرسه بی تفاوت است. او اهمیتی نمی دهد که نمرات نهایی او چیست.

آبیاری کردن

آبیاری به معنای عرضه آب به زمین است تا محصولات کشاورزی بتوانند رشد کنند.
در آب و هوای خشک، مهم است که زمین های کشاورزی را آبیاری کنید.

به حداکثر رساندن

به حداکثر رساندن چیزی این است که آن را در مقدار بزرگی، اندازه، و یا اهمیت افزایش دهند.
شما باید به طور منظم ورزش کنید تا به به حداکثر رساندن یک شیوه زندگی سالم کمک کنید.

پولی

هنگامی که چیزی پولی است، به پول مربوط می شود.
یک سیاست پولی قوی برای یک کشور موفق است.

احتیاط

احتیاط یک عمل است که به معنای توقف چیزی بد از وقوع است.
قبل از خروج از آب و هوای سرد، باید یک کت سنگین بپوشید

مقدماتی

مقدماتی چیزی را که قبل از یک رویداد مهم تر اتفاق می افتد توصیف می کند.
دونده ها باید عملکرد خوبی در مسابقات مقدماتی برای واجد شرایط شدن داشته باشند.

اغشت

اغستن چیزی به معنای آن است که به طور کامل آن را با مایع خیس کنید.
اسفنج به آب صابون اغشته شد و در سراسر سطح چکید.

سادگی

سادگی چیزی این واقعیت است که انجام یا درک آسان است.
ما توانستیم خانه را به خاطر سادگی مسیرها پیدا کنیم.

کاشت

کاشت بذر بدین معنی است که آنها را در زمین بکارند
او همیشه دانه های باغ خود را در فصل بهار می کارد

سویا

سویا غذای ساخته شده از دانه های سویا است، مانند آرد یا کره است.
سویا را می توان به توفو، سس، و همچنین شیر تبدیل کرد.

بیل

یک بیل یک ابزار مورد استفاده برای حفاری است.
باغبان از بیل خود استفاده کرد تا یک سوراخ برای بذر ایجاد کند.

آینده

هنگامی که چیزی پیش رو است، به این معنی است که در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد.
بچه ها در مورد امتحان آینده خود نگران بودند.

زندگی در مزرعه

بل یک سرمایه دار عالی بود. او یک شرکت هواپیمایی بزرگ را تأمین می کرد که پول زیادی را به دست آورد. او می دانست که چگونه درآمد مالی خود را که در هر کسب و کاری که به آن میپردازد افزایش دهد. با این حال، بیل یک مشکل بزرگ داشت. او تمام وقت ناراضی بود. بیل می دانست که او باید چیزی در مورد آن انجام دهد، یا او برای بقیه عمر خود افسرده خواهد شد.

یک روز، بیل در دفترش بود، زمانی که او صدای درب را شنید او با صدای بلند گفت. "بفرمایید تو، بیا تو!" بیل با صدای بلند گفت:

حسابدار او، جین، وارد شد. جین گفت: "آقا، من ندیده ام که شما در یک سال لبخندی بزنید. شما خیلی ناراحت هستید؟ شرکت شما خیلی خوب کار می کند."

بیل به او گفت: "من در مورد موفقیت شرکت بی تفاوت هستم. من نسبت به کارم احساس حقارت میکنم. من فقط می خواهم کاری انجام دهم. من همیشه گیاهان رو به رشد را به عنوان یک سرگرمی دوست داشتم. من قصد دارم کار خود را ترک کنم و به یک کشاورز تبدیل شوم!"

"تو دیوانه ای!" جین گفت.

بیل پاسخ داد: "من فکر نمی کنم." "من سادگی یک زندگی در مزرعه را میخواهم. من از تمام این استرس خسته هستم کشاورزی من را خوشحال خواهد کرد."

روز بعد، بیل وظیفه اولیه خرید زمین و ابزار را انجام داد. سپس او کار کرد. او انواع مختلفی از دانه ها را کاشت. او سویا، کلم، هویج و پیاز را کاشت.

"بیل فکر می کرد" تابستان آینده بسیار خشک است. "من باید محصولات خود را از روی احتیاط آبیاری کنم، در صورتی که به اندازه کافی باران نیارد." او بیل خود را برداشت و گودال را از وسط مزرعه خود حفر کرد. "آب از جویبار به سمت گودال جاری خواهد شد و خاک را در اطراف هر گیاه اشباع می کند."

بیل خود را به کشاورزی اختصاص داده است. پس از یک سال، مزرعه اش به نظر نفیس بود. مهمتر از همه، بیل خوشحال بود. او در نهایت زندگی را داشت که او همیشه می خواست.